

گزارشی از یک ملاقات!

داکتر فاروق اعظم یکی از شخصیت های مشهور جهادی افغان است. او سابقه کار با گروه های میانه رو مجاهدین افغان را داشته و یک شخصیت فرهنگی کشور نیر می باشد. او سالها قبل جوانترین عضو کمیته ای بود که معاهده آب هلمند میان افغانستان و ایران را آماده ساخت.

چند روز قبل در صحبتی از فاروق اعظم شنیدم که می گفت روشنفکر نمایان ما به مردم عوام می گویند که حضور خارجی ها در کشور ما یک نعمت بزرگ است. عوام می گوید که این حضور برای دین و ایمان و استقلال کشور من مضر است و دین و ایمان مرا از من خواهد گرفت.

روشنفکر با خود می گوید: عوام بخاطر از دست دادن چیزی نگران است که من آنرا ندارم. کسیکه ایمان ندارد چرا باید نگران از دست دادن آن باشد؟ این گزارش روایتی از چنین بی ایمانی است.

روز دوشنبه ۲۷ سرطان سال جاری (۱۹ جولای ۲۰۱۰) سفیر انگلستان از جمعی از تحلیلگران سیاسی که در رسانه های کشور بیشتر حضور دارند، برای یک صحبت دوستانه به منزل خویش دعوت نمود.

در این دعوت نوات آتی اشتراک داشتند:

- ۱- احمد سعیدی
- ۲- هارون میر
- ۳- داد نورانی
- ۴- استاد حبیب الله رفیع
- ۵- وحید مژده
- ۶- داکتر محی الدین مهدی
- ۷- انجنیر محمد یونس فکور

هدف از این دعوت همانگونه که بعدا مشخص شد این بود که در رسانه های افغانستان در مورد اهداف غرب در افغانستان شکوک و شبهات بسیاری ابراز می شود و بخصوص در مورد انگلستان تبلیغات سوء زیاد است. سفیر انگلستان بصورت تلویحی شکایت از این داشت که سربازان ما در افغانستان کشته می شوند ولی باز هم ما را متهم می کنند که گویا با طالبان همکاری داریم. چگونه ممکن است که ما با قاتلان سربازان خود همکار باشیم. آیا چنین کاری ممکن است؟

سفیر برتانیه که یک دیپلمات برجسته این کشور بوده و قبلا در کشورهای پر آشوبی چون عراق و سودان بحیث سفیر ایفای وظیفه نموده است تاکید نمود که هدف کشورش از حضور در افغانستان کمک به مردم افغانستان است. وی گفت ما به این دلیل در اینجا هستیم تا مردم افغانستان را در جهت پیشرفت و ترقی و بازسازی یاری نمائیم و اجازه ندهیم تا این کشور بار دیگر به کانون خطر برای ما مبدل گردد. غیر از این ما هیچ هدف پنهانی از آمدن به افغانستان نداریم اما در رسانه های افغانستان در مورد ما سخنان منفی زیاد است که گویا ما اهداف دیگری داریم.

بعد از سخنان سفیر برتانیه، استاد حبیب الله رفیع در مورد یک اعلان رادیویی که توسط نیروهای انگلیسی در ولایت هلمند که از طریق رادیو سمون پخش شده بود سوال کرد. **نیروهای انگلیسی سه سال قبل از طریق این رادیو به مردم هلمند اطلاع دادند که آنها کاری به کشت کوکنار در هلمند ندارند و مردم می توانند آزادانه به کشت کوکنار ادامه دهند. منظور استاد رفیع این بود که سخنانی که رسانه های افغانستان در مورد انگلیس ها گفته می شود زیاد بدون سند ومدرك نیست!**

سفیر برتانیه در جواب گفت که من در این مورد اطلاعی ندارم اما میخواهم بگویم که در گذشته اشتباهاتی صورت گرفته است اما دیگر این اشتباهات تکرار نخواهد شد. در حقیقت سفیر می خواست بگوید که وی مسئول کارهایی نیست که قبل از تصدی وی به این سمت در افغانستان صورت گرفته است.

بعد از استاد رفیع، داد نورانی اجازه صحبت خواست و بعنوان کسی که از هلمند است و از نزدیک جریانات این ولایت را تعقیب کرده است، ضمن اینکه سخنان استاد رفیع را تأیید کرد، صداقت مبارزه نیروهای خارجی در افغانستان علیه تروریسم را زیر سوال برد. وی به مواردی اشاره داشت که موجب ایجاد شک و تردید در مورد اهداف خارجی ها در اذهان مردم افغانستان شده است از جمله بی توجهی و اغماض خارجی ها در مورد مداخلات پاکستان در افغانستان. وی گفت که شورای کویته در پاکستان فعال است و کمپ هائی در صوبه بلوچستان برای آموزش نظامی طالبان وجود دارد اما امریکا و انگلیس در این مورد توجهی ندارد.

سفیر برتانیه در جواب بار دیگر تاکید نمود که ما در مبارزه علیه تروریسم موقف قاطع داریم و با پاکستان در جهت حل این مشکل کار می کنیم.

اینجانب با استفاده از فرصت در مورد کناری گیری شیرارد کوپر کول نماینده خاص برتانیه برای افغانستان پرسیدم. رسانه های غربی کناره گیری کوپر کول از ماموریت در افغانستان را به اختلاف میان برتانیه و امریکا در مورد ستراتژی اوباما در افغانستان رابطه دادند. سوال این بود که کدام موارد از ستراتژی اوباما مورد تأیید انگلستان نیست و دولت برتانیه با آن اختلاف دارد؟

سفیر برتانیه بعنوان یک دیپلمات کارکشته، با زرنگی تمام از جواب به این سوال طفره رفت و گفت که وی دو روز قبل با شیرارد ملاقات داشته است. کول به این دلیل از ماموریت افغانستان کناره گیری کرد که ماموریت بهتری را بدست آورد. اما در مجموع گفت که برتانیه خواستار صلح از طریق مذاکره و تفاهم با مخالفین حکومت افغانستان است اما امریکا به این باور است که هنوز زمان مناسب برای این کار فرا نرسیده است. این اختلاف کوچک است و مهم و جدی نیست.

در این موقع آقای یونس فکور اجازه سخن گفتن خواست و ضمن تشکر از سفیر برتانیه، گفت که در افغانستان در مورد برتانیه نظر منفی وجود دارد که در کتاب های تاریخ مکاتب ما آمده است و ما از همان زمان عادت کرده ایم تا نگاه منفی نسبت به انگلستان داشته باشیم و گناه هر مشکل خود را به گردن انگلیس ها بیندازیم در حالیکه این تصور اشتباه است.

فکور گفت: وقتی شخصیتی چون جناب سفیر می گوید که نیروهای انگلیسی فقط برای کمک به ما افغانها به افغانستان آمده اند، من کاملاً آنرا می پذیرم و در صدق این گفته تردیدی بخود راه نمی دهم. این حرف کاملاً درست است.

فکور گفت: چند روز قبل وقتی من شنیدم که یک سرباز افغان سه سرباز انگلیسی را به قتل رسانیده است، من بعنوان یک افغان سخت خجالت کشیدم. من بخاطر کشته شدن هر سرباز انگلیسی در افغانستان ناراحت می شوم اما این واقعه برای من واقعا خجالت آور بود و احساس شرم می کنم.

وی گفت که گناه همه مشکلات در طول تاریخ افغانستان به گردن زمامداران خود ماست و نباید ما کشور های دیگر را بخاطر عقب ماندگی و مشکلات خود ملامت کنیم. اگر در کشور ما مواد مخدر وجود دارد، این کار را مردم خود ما انجام میدهند و وظیفه دولت ماست که جلوی این کار را بگیرد. این کار به برتانوی ها ارتباطی ندارد. آقای فکور در حقیقت به موارد سوالی که از جانب استاد رفیع و نورانی مطرح شده بود تلویحا اعتراض داشت.

آقای فکور مردم افغانستان را دور از تمدن و مردم جاهل خواند و در این رابطه فکاهی بی مزه ای به شرح ذیل حکایت کرد:

خداوند (ج) از پیامبر(ص) خواست تا امتش را از جلوی او عبور دهد. پیامبر اطاعت نمود و امت اسلامی گروه گروه از جلوی خداوند گذشتند. در ابتدا عربها آمدند که پرچم های شان بلند و صفوف شان منظم بود. بعد از آن دیگران هرکدام در صفوف منظم از جلوی خدا عبور کردند.

در اینجا آقای فکور بحدی احساساتی شده بود که انگلیس ها را هم در قطار امت اسلامی آورد و گفت که گروه دیگری با تکنالوژی چون خط آهن و سایر پدیده های علمی از راه رسیدند که بسیار منظم و مرتب بودند. پیامبر آنها را به خداوند معرفی کرد و گفت که اینها انگلیس ها هستند!

تا اینکه از دور گرد و خاکی به هوا بلند شد. مردمی از راه رسیدند که هر یکی می خواست پرچم دیگری را از دستش برباید! هر یکی با مشت به کله دیگری می کوبید و با هم در دعوا و کشمکش بودند. خداوند از پیامبر پرسید: این کدام قوم از امت توست؟ پیامبر گفت اینها افغانها هستند! خداوند گفت: من این قوم را نیافریده ام! فکور می خواست بگوید که ما افغانها حتی بنده خدا هم نیستیم!

فکور دیموکراسی را یک دست آورد بزرگ برای مردم افغانستان خواند که بعد از یازدهم سپتامبر به این کشور عنایت شده است و گفت: اینکه امروز یک شخص بیچاره ای چون من از قندهار در حضور سفیر کبیر کشور برتانیه سخن می گویم یک افتخار بزرگ و ناشی از همین فضای جدید است.

در حالیکه سفیر چند لحظه قبل اعتراف کرد که حتی در چند سال گذشته اشتباهات زیادی در افغانستان صورت گرفته است، فکور برتانیه را از عملکرد هایش در طول تاریخ برائت داد و همه را بدوش خود ما افغانها انداخت.

فکور بحدی احساساتی شده بود که حتی مسایل روشنی چون معاهدات گندمک و دیورند و دهها مورد از اقدامات انگلیس در این منطقه در دوران استعمار این کشور را نادیده گرفت و همه را بدوش مردم و زمامداران افغانستان انداخت که چرا علیه انگلستان جنگیدند. او می خواست در حضور سفیر و تیم سیاسی اش بگوید که اگر ما استعمار برتانیه را می پذیرفتیم، امروز چنین وضعی را نمی داشتیم و اکنون که بار دیگر این فرصت فراهم آمده است باید شکر این نعمت را ادا کنیم.

سخنان فکور در تعریف از انگلستان و مذمت مردم افغانستان بر همه گران آمد. استاد رفیع سخن فکور را قطع نموده و با اجازه از سفیر، مجلس را ترک کرد و داد نورانی هم وی را همراهی نمود. بعد از ترک اعتراض آمیز مجلس از طرف این دو نفر، فکور به سخنان خود ادامه داد اما سفیر که متوجه شد این سخنان ضد افغانی و انگلیس دوستانه در حضور وی می تواند یک اقدام غیر دیپلوماتیک تلقی شده و نوعی موافقت وی را با این سخنان نشان دهد، سخنان فکور را قطع نموده و گفت: بگذارید سخنان دوستان دیگر را هم بشنویم. سفیر در مورد فکاهی بی مزه فکور گفت که غیر از افغانها دیگران حق ندارند تا این فکاهی را بر زبان آورند. وی ادامه داد که ما به افغانستان آمده ایم تا افغانستان از این حالت بیرون آمده و به تمدن و پیشرفت برسد. در مورد جناب آقای فکور این خدمتگذار صدیق کشور برتانیه باید گفت که وی در سال ۱۳۵۳ از فاکولته پلینتخیک پوهنتون فارغ شده و یکی از تندرو ترین چهره های آن زمان در قطار خلقی ها بود. او در زمان حکومت تره کی منشی کمیته ولایتی قندهار و در زمان حفیظ الله امین والی و منشی کمیته ولایتی هرات ایفای وظیفه کرده و در مبارزه علیه فنودالیزم و حذف یک مرحله تاریخی (سرمایداری) برای رسیدن به سوسیالیسم در آن زمان خدمات قابل قدری انجام داد. او روزگاری به روسها از تجاوز شان بر افغانستان تشکر می کرد و امروز... بیچاره خلقی ها!

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ